



## موضوع‌شناسی فقهی عده زنان در روش‌های نوین باروری

محمد علی قاسمی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۶

### چکیده

در شریعت مقدس اسلام، عده «مقدار زمانی است که زن پس از انحلال نکاح به جهت فوت شوهر یا به لحاظ اطمینان از پاک بودن رحمش از حمل باید صبر کند و از ازدواج مجدد خودداری نماید». گسترش دانش پزشکی و تنوع روش‌های باروری نوین، موضوع‌شناسی عده را با پرسش‌ها و مسائل مختلفی مواجه ساخته است، با توجه به حکمت جعل عده؛ مهم‌ترین پرسش این است: روش‌های مختلف تلقیح مصنوعی مورد استفاده زنان مصداق کدام یک از عناوین عده ساز قرار می‌گیرد. این پرسش به جهت تشخیص عده زنان در انواع تلقیح و عناوین منطبق بر آنها است. یافته‌های مقاله عبارتند از اینکه عده به سبب پنج عنوان «مدخول بها»، «عده وفات»، «عده طلاق»، «عده اتمام زمان عقد موقت»، «عده بخشش زمان عقد موقت» یا «العده من الماء» و عدم عده مصداقی برای «لاحرمة لماء الزانی»، «غیر مدخول بها» شمرده می‌شود و هر یک دارای شقوق متفاوت خواهند بود؛ از سوی دیگر، تلقیح مصنوعی به روش‌های درون رحمی یا خارج از رحم است و در موردی که ذات حمل و مدخول بها صدق نمی‌کند و طلاق رخ می‌دهد، عده طلاق باید لحاظ شود و در تلقیح بدون حاملگی و غیرمدخول بها مبتنی بر شمول «العده من الماء» است. چنانچه تلقیح همواره با صدق مدخول بها و بدون ذات حمل باشد، تنها عده طلاق دارد و در صورت بارداری زن با تلقیح و فوت شوهر، ابعاد زمان حمل و عده وفات محاسبه می‌شود.

کلید واژه‌ها: موضوع‌شناسی، تلقیح مصنوعی، باروری پزشکی، عده زنان، مدخول بها.

۱. مدیر گروه فقه پزشکی مرکز فقهی ائمه اطهار (ع) ghasemimohammad110@gmail.com

## مقدمه

بر اساس ادله فقهی در شریعت اسلام، در بیشتر موارد زنی که زوجیتش منحل شود، وظیفه دارد تا مدت زمان معینی را از ازدواج خوداری کند، این زمان را در فقه و قانون «عده» می نامند (علامه حلی، بی تا، ص ۱۴۷؛ بحرانی، بی تا، ج ۲۵، ص ۳۹۱). این عنوان موضوع مقررات بسیاری قرار گرفته است، البته عده نگه داشتن در میان ملل و اقوام دیگر نیز وجود داشته است؛ ولی از آن رو که آنان برای زنان ارزش و شأن و منزلت انسانی قائل نبودند؛ بلکه آنان را همانند کالایی می پنداشتند، در برخی قبائل، هر زمان که مردی از دنیا می رفت، پدر، برادر یا خویشان وی، عبایی بر سر زن می افکند و وی را به ارث می برد، یا مانع ازدواج زن برای همیشه می شد و معمولاً میراث و اموالش نیز تصرف می شد؛ ولی قرآن کریم با نزول آیه ۱۹ سوره نساء، این سنت ناپسند را منع کرد (ر.ک: خزائلی، ۱۳۶۱ش، ص ۱۰۰-۹۹). در برخی قبایل دیگر، زن می بایست بعد از وفات شوهرش حداقل یک سال تمام یا تا آخر عمر بر بالای قبر شوهرش خیمه سیاه و چرک آلودی برپا می کرد و بالباس زشت و مندرسی به عزاداری می پرداخت.

در آن روزگار چنانچه کسی می خواست بعد از یک سال یا بیشتر از عده خارج شود، باید گوسفند یا حیوان دیگری را به صورت گرسنه و تشنه نگه می داشت، سپس آنقدر حیوان را می زد تا بمیرد، بعد سرگین شتر یا حیوان دیگر را برداشته به نقطه دوری برده، پرتاب می کرد و بدین روش از عده بیرون می آمد (ر.ک: نوری، ۱۳۶۰ش، ص ۶۱۷؛ طباطبایی، بی تا، ج ۲، ص ۲۴۲).

با آمدن اسلام بر همه خرافات یاد شده، خط بطلانی کشیده شد و با توجه به حکمت های مهم زندگی زنان در این شرایط، برای زنان مطلقه یا شوهر مرده، عده تشریح شد؛ از حکمت های این تشریح احکام، اطمینان یافتن از برائت رحم و جلوگیری از اختلاط انساب است (صدوق، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۵۰۸). و این حکمت در تعیین زمان عده در زنان مطلقه به سه حیض یا سه ماه به جهت اطمینان از پاک بودن رحم از طفل معین شد. پیرو این امر فقیهان امامیه نیز در تعریف عده آورده اند که عده مدت زمانی است برای آنکه رحم زن واقعاً یا تعبداً از حمل پاک شود (ر.ک: بحرانی، بی تا، ج ۲۵، ص ۲۳؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۲، ص ۲۱۲).

از حکمت های دیگر این قانون «امکان رجوع کردن به زوج» (بقره، ۲۲۸؛ طلاق، ۱)؛ حفظ حیات جنین و یا به جهت نشانه عزاداری و احترام گذاردن به همسر خویش می باشد (طباطبایی، بی تا، ج ۲، ص ۲۴۲). بر این اساس در برخی روایات علت تعیین مدت عده وفات به چهار ماه و ده روز اینگونه بیان شده است: «حداکثر تحمل زنان نسبت به ترک آمیزش در غالب زنان چهار ماه است؛ از این رو عده وفات نیز متناسب با میزان تحمل و بردباری آنان چهار ماه و ده روز تعیین شده است (صدوق، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۵۰۸).



تحقق عده وابسته به صدق عناوینی مانند «عده طلاق»، «عده وفات»، «عده حمل»، «عده فسخ نکاح»، «عده بذل و انقضای مدت» است؛ در مقابل برخی عناوین همچون «العدة من الماء»، «غیرمدخول بها»، «یائسه»، «زن زانیه» یا «وطی به شبهه» سبب می شود تا این گونه زنان عده ای نداشته باشد، اکنون پرسش این پژوهش درباره زانی است که از روش باروری پزشکی استفاده می کنند؛ چنین زنانی در زمره کدامیک از عناوین سبب عده یا عدم آن، جای می گیرند؟ بر اساس جست و جوی صورت گرفته تاکنون هیچ مقاله یا کتابی به بررسی جامع موضوع شناسی فقهی عده زنان «از روش تلقیح مصنوعی» نپرداخته است، اگر چه نویسندگان کتاب هایی مانند «وسائل الانجاب الصناعیه» نوشته سید محمدرضا سیستانی یا «تلقیح مصنوعی در آیین فقه» نگارش سید محسن مرتضوی، به بررسی حکم برخی فروض این مسئله اقدام کرده اند؛ ولی به موضوع شناسی آن در همه فروض نپرداخته اند؛ در حالی که با گسترش روش های درمان ناباروری پزشکی و ابتلای بانوان بسیاری به این مسئله، ضرورت دارد تا موضوع شناسی دقیقی در این حوزه انجام بگیرد.

## ۱. مفهوم شناسی

قبل از ورود به موضوع شناسی فقهی مسئله پژوهش، نخست به تعریف و شناسایی دو واژه «عده» و «تلقیح مصنوعی (باروری پزشکی)» می پردازیم:

### ۱-۱. مفهوم شناسی واژه «عده»

واژه «عده» به کسر عین و فتح دال مشدد، اسم مصدرش «اعتداد» است و از ریشه «عدد» گرفته شده که جمع آن عدد است و «عددت الشی» به معنای احصاء و شمارش آن شیئی و یا گروه است خواه کم و یا زیاد (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۷۹). واژه عدد در لغت به معنای گروه و شمار کردن آمده است، مانند: «وکلّ شیّ أحصیناه عدداً» (جن، ۲۸). عده به کسر اول، شی معدود است؛ چنانچه در مفردات آمده: «العدة هی الشیّ المعدود» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۲۴؛ رک: فیومی، ۱۴۰۵ق، ص ۳۹۶). عده زن مطلقه، مدت معدودی است که باید در آن زمان زن از ازدواج با دیگری خودداری کند (فیومی، ۱۴۰۵ق، ص ۳۹۶)؛ «إذا طلّقت النساء فطلقوهنّ لعدتهنّ واحصوا العدة» (طلاق، ۱).

در اصطلاح فقهی عده «مقدار زمانی است که زن پس از انحلال نکاح به جهت مرگ شوهر، یا به لحاظ اطمینان از پاک بودن رحمش از حمل و یا به جهت تعبد شرعی با فرض یقین به برائت رحم از حمل، باید صبر کند و از ازدواج مجدد خودداری نماید» (علامه حلی، بی تا، ص ۱۴۷؛ بحرانی، بی تا، ج ۲۵، ص ۳۹۱).

شهید ثانی می نویسد:

عده از دیدگاه شرعی زمان معینی است که در آن زمان زن باید به جهت اطمینان از برائت رحم از حمل یا به سبب مرگ شوهر صبر نماید، عده به منظور صیانت نسب‌ها و جلوگیری از آمیخته شدن آنها با یکدیگر تشریح شده است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۲۱۳)؛ بنابراین عده به معنای فوق از مفاهیم شرعی و منصوصه است و موضوع شناسی واژگان منصوصه را باید در ادله منصوصه بررسی کرد.

### ۱-۱-۱. اسباب موجب ثبوت عده

در راستای موضوع شناسی و مصداق‌یابی عده در موارد مختلف تلقیح مصنوعی، نخست باید به اختصار درباره اسباب از ایجاد کننده عده تحقیق کرد.

#### ۱-۱-۱-۱. عده طلاق بعد از دخول

چنانچه زنی که هنوز یائسه نشده، در زمان پاکی، طلاق داده شد، باید به اندازه سه طهر (پاکی) عده نگه دارد، پس زمانی که حیض سوم رخ داد، عده وی تمام شده می‌شود. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۲، ص ۲۱۹؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۲۳) و عده زن مطلقه باردار، پایان حمل وی خواهد بود و این حکم به صراحت در آیه شریفه «وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ»؛ زنان آبستن مدّتشان این است که وضع حمل کنند (طلاق، ۴) بیان شده است و اگر زنی است که در سن حیض قرار دارد، ولی عادت ماهیانه نمی‌شوند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۲، ص ۲۳۰؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۲۴). همچنین زنان یائسه یا زنانی که وضع آنان روشن نباشد، باید سه ماه عده نگه دارند و این حکم در آیه شریفه «وَاللَّائِي يَئْسَنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ أَرَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ»؛ از زنان، آنان که از عادت ماهانه مأیوسند، اگر در وضع آنها (از نظر بارداری) شک کنید، عده آنان سه ماه است و همچنین است آنها که عادت ماهانه ندیده‌اند (طلاق، ۴) (ر.ک: شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۲۲۹؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۲، ص ۲۳۰).

#### ۱-۱-۱-۲. عده وفات

عده زن در صورت وفات همسرش، چهار ماه و ده روز است، خواه ازدواج موقت، خواه دائم و خواه آمیزش صورت گرفته یا نگرفته باشد (نجفی، جواهرالکلام، ج ۳۲، ص ۲۷۴؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۲۷)؛ آیه «وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا» (بقره، ۲۳۴) ولی اگر زن باردار باشد، ملاک عده، طولانی‌ترین زمان از چهار ماه و ده روز و یا پایان زمان حمل خواهد بود (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۰، ص ۲۰۰؛ ج ۳۲، ص ۲۷۵؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۲۷).

### ۱-۱-۱. ۳. عده ازدواج موقت

مدت عده در ازدواج موقت متفاوت است؛ زن بعد از پایان مدت عقد یا بخشش زمان عقد از سوی شوهر، عده اش دو حیض است و چنانچه زن در سن حیض باشد ولی حیض نشود، عده وی ۴۵ روز خواهد بود (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۵۱؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۹۶).

### ۱-۱-۱. ۴. عده آمیزش به شبهه

چنانچه مردی با تصور اینکه خانمی همسر وی است، با او آمیزش نماید، زن باید به اندازه عده طلاق یعنی سه طهر (پاکی) عده نگه دارد و تفاوتی ندارد که زن با خبر باشد که آن شخص همسر وی است و یا با خبر نباشد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۲، ص ۳۷۸ و ۳۷۹).

### ۱-۱-۱. ۵. عده زناکار

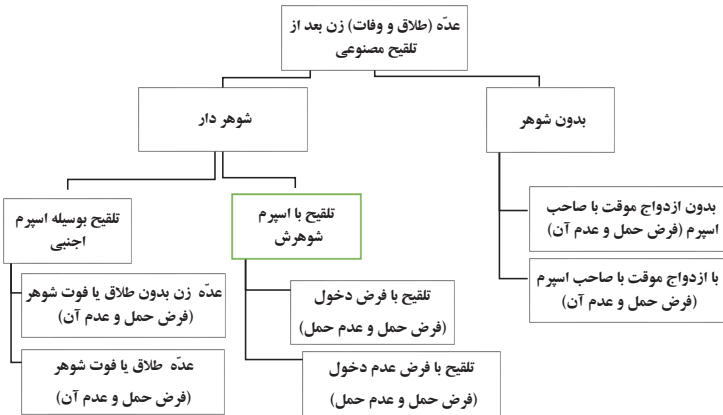
اگر زنی زنا کند و به سبب آن باردار شود، عده ندارد؛ اما در زمینه عده زناکاری که باردار نشده است، اختلاف نظر وجود دارد. بیشتر فقیهان بر این نظرند که چنین زنی نیز عده ندارد اما برخی برآنند که بنا بر احتیاط باید به اندازه یک بار دیدن خون حیض عده نگه دارد (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۵۳۲ و ۵۳۳؛ خمینی، ۱۳۹۹ش، ج ۲، ص ۳۷۰).

### ۱-۲. مفهوم تلقیح مصنوعی (باروری پزشکی)

«تلقیح مصنوعی» از ریشه «لَقَحَ» به معنای آبستن کردن و گشمن دادن است، «لَقَحَ» به معنای آبستن شدن جنس مؤنث معنا شده است. (شرتونی، بی تا، ج ۲، ص ۱۱۵۳؛ دهخدا، ۱۳۷۳ش، ج ۴، ص ۶۰۸۲؛ ج ۱۲، ص ۱۷۴۱۶؛ ج ۱۱، ص ۱۶۹۲۳؛ واژه «لقاح» نیز معنای مایع و آب نرینه است (ابن منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۱۲، ص ۳۰۷ و ۵۷۹) این ماده دربارهٔ ابر (حجر، ۱۵) گیاه و حیوان (لويس معلوف، ۱۳۷۸ش، ص ۷۲۸) به کار می رود و اگر چه اصل آن برای شتر باشد؛ ولی دربارهٔ زنان نیز استعمال می شود؛ به هر حال این واژه بدون هیچ قیدی بر معنای «آبستن ساختن» به کار می رود (ابن منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۱۲، ص ۳۰۷ و ۵۷۹). در اصطلاح تلقیح مصنوعی شامل انواع مختلف روش هایی است که اسپرم بعد از آماده سازی در اندام تناسلی زن قرار داده می شود، چه داخل سرویکس (گردن رحم) چه داخل صفاق (حفره شکم) و یا داخل رحم و داخل فولیکول و پروفوزیون اسپرم به لوله فالوپ باشد (برک و دیگران، ۱۳۷۵ش، ج ۲، ص ۸۶۳). به عبارت روشن تر در اصطلاح لقاح مصنوعی یا باروری پزشکی به معنای بارور شدن زن به کمک وسایل پزشکی و وسایل مصنوعی، بدون انجام رفتار زناشویی است.

## ۱-۲-۱. اقسام تلقیح مصنوعی در موضوع عدّه

بر اساس جدول ذیل موضوع شناسی، عدّه در موارد مختلف بررسی می شود؛ در مرحله نخست مقسم یعنی زن باردار با قید «تلقیح مصنوعی» به دو فرض کلی تقسیم می شود: الف. فرضی که زن بوسیله اسپرم شوهر خود یا با جنین خود و همسرش به روش باروری پزشکی (درون یا برون رحمی) باردار می شود؛ ب. فرض دوم اینکه از اسپرم مرد بیگانه یا از جنین مرد زنی بیگانه (به روش درون رحمی یا بیرون رحم) باروری پزشکی رخ دهد.



## ۲. تحقق موضوع عدّه طلاق

همان طور که بارداری زن با اسپرم شوهر خویش مصداق عدّه طلاق و یا عدّه وفات محسوب می شود، در صورتی که زن به وسیله باروری صناعی باردار شود، باز هم یکی از این دو عنوان بر این نوع بارداری صدق می کند.

## ۱-۲-۱. صدق موضوع عدّه طلاق شوهر

چنانچه زن مصداق عنوان «مدخول بها» باشد و مصداق عنوان «ذات حمل» نباشد و طلاق بگیرد، عدّه طلاق وی سه طهر (پاکی) خواهد بود؛ اما اگر عنوان «مدخول بها» و عنوان «ذات حمل» بر او منطبق شود، از دیدگاه بیشتر فقیهان عدّه وی وضع حمل است، خواه وضع حمل قبل یا بعد از سه طهر (پاکی) رخ دهد (ر.ک: شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۶۱؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۲، ص ۲۵۲؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۲۶). به تعبیر برخی بزرگان اگر زنی مصداق ذات حمل باشد و از همسر خویش طلاق بگیرد، اتمام عدّه وی وضع حمل است، حتی اگر لحظه ای بعد از طلاق وضع حمل رخ دهد همچنین فرقی ندارد که در زمان وضع حمل جنین کامل، مضغه یا علقه باشد (خمینی، ۱۳۹۹ش، ج ۲، ص ۳۶۰).

در صورت عدم صدق عنوان «مدخول بها» و «ذات حمل» اگر طلاق صورت بگیرد، هیچ عنوانی که سبب عدّه شود صدق نمی‌کند و چنین زنی محاسبه عدّه ندارد (ر.ک: شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۶، ص ۵۷؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۲۲؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۲، ص ۲۱۱-۲۱۲) دلیل عدم ثبوت عدّه، صدق عنوان «عدم مدخول بها» است که از آیه شریفه «ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَالَكُمُ عَلَيْهِنَّ مِنْ عَدَّةِ تَعْتَدُونَهَا» (احزاب، ۴۹)، همین عنوان و موضوع به وسیله روایات نیز تأکید می‌شود (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۱۰۸؛ طوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۸، ص ۱۲۹).

تحقق این موضوعات (مدخول بها و عدم مدخول بها) در صورتی که زن از باروری پزشکی بهره‌گیرد نیز تأثیرگذار است، از این رو در صورت تلقیح مصنوعی نیز، امکان تحقق یکی از دو عنوان ذیل برقرار است.

### ۱-۲-۱. تلقیح بدون حاملگی با صدق عنوان «غیرمدخول بها»

در این صورت بدون هیچ‌گونه آمیزش جنسی و دخول، زن از روش باروری پزشکی (درون رحمی یا برون رحمی) استفاده کرده، اما منجر به بارداری نشده است؛ با تأمل در آیات و روایات، مشخص می‌شود که تحقق مصادیق عدّه، فرع بر تحقق زوجیت، یا فرع بر ازدواج و دخول است (طلاق، ۴؛ احزاب، ۴۹؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، باب: ۵۴ من أبواب المهور، ح ۱، ج ۱۵، ص ۴۰۳؛ ح ۱؛ ج ۲۲، ص ۱۴۵، ح ۱)؛ البته اگر عنوان «العدّة من الماء» دارای اطلاق باشد و بر آن صدق نماید، نگه داشتن عده واجب می‌شود (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۸۴)؛ در مقابل کسانی مانند صاحب شرایع و شهید ثانی «مدخول بها» بودن را یکی ارکان تحقق عدّه می‌دانند (محقق حلی، ۱۳۹۴ش، ج ۳، ص ۲۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۹، ص ۲۱۶) بنابراین در فرض مورد بحث نیز تلقیح بدون باروری، سببیت برای عده نخواهد داشت.

### ۲-۱-۲. تلقیح موجب صدق ذات حمل و غیرمدخول بها

در این صورت باروری با اسپرم شوهر به صورت صناعی انجام می‌پذیرد و منجر به حاملگی می‌شود، ولی قبل و بعد از تلقیح هیچ دخولی صورت نگرفته، طلاق محقق شده است، عنوان «غیرمدخول بها» بر این زن صدق می‌کند، از سوی دیگر عنوان «ذات حمل» نیز بر آن منطبق می‌گردد، حکم عدّه بر اساس کدام عنوان لحاظ می‌شود، چراکه بر اساس عنوان نخست، فاقد عدّه و بر اساس عنوان دوم، عدّه وی «ابعد الأجلین» از وضع حمل و سه طهر (پاکی) خواهد بود، همان‌طور که صاحب شرایع عنوان ذات حمل را ملاک قرار داده و همانند این گونه حاملگی را سبب عدّه می‌داند (محقق حلی، ۱۳۹۴ش، ج ۳، ص ۲۳)، مرحوم شهید ثانی بر این نظر است که در حاملگی بدون دخول، الحاق فرزند و حمل به این مرد، موجب ثبوت عدّه

است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۲۱۶). برخی از فقیهان معاصر، در صورتی که زن در طلاق رجعی به اسپرم شوهرش حامله شود، بر همین نظرند، اگرچه این تلقیح از نظر حکم تکلیفی خالی از اشکال نیست؛ ولی اگر این فرع انجام شد، عدّه این زن به وضع حمل است (تبریزی، ۱۴۲۷ق، ج ۹، ص ۲۸۳)، روشن است که در دیدگاه‌های یاد شده، ملاک صدق عنوان «ذات حمل»، همراه با زوجیت است.

### ۲-۱-۳. تلقیح با صدق عنوان «مدخول بها»

در این فرض بعد از انجام عمل زناشویی و دخول، تلقیح مصنوعی صورت گرفته است و در نتیجه دو فرض دیگر تولید می‌شود.

#### الف. تلقیح با صدق «مدخول بها» و بدون صدق «ذات حمل»

در این فرض تنها عنوان عدّه طلاق منطبق می‌شود: «وَالْمُطَلَّقاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ» (بقره، ۲۳۴) و سایر عناوین منتفی خواهد بود، بنابراین عدّه وی سه طهر (پاکی) خواهد بود.

#### ب. تلقیح با صدق عنوان «مدخول بها» و «ذات حمل»

در این فرض، سه عنوان تحقق پیدا می‌کند: «زوجیت»، «مدخول بها» و «ذات حمل»؛ اما از آنجاکه این حاملگی از روش غیرطبیعی یعنی باروری پزشکی و آزمایشگاهی تحقق یافته است؛ در این صورت اگر طلاق صورت گیرد، عنوان «أُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجْلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ» (طلاق، ۴) بر آن منطبق است و باقرینه آیه ۶ در همین سوره؛ عدّه، فرع بر زوجیت و حمل خواهد بود.

### ۳. صدق عنوان عدّه وفات

در فرض طبیعی در صورت فوت شوهر در آیه شریفه، زن مصداق عدّه وفات بیان شده است «وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذُرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا» (بقره، ۲۳۴) می‌باشد و زن باید چهار ماه و ده روز عدّه نگه‌دارد، ولی اگر باردار باشد و شوهرش بمیرد، عدّه‌اش «ابعد أجلین» از چهار ماه و ده روز و وضع حمل می‌باشد (فاضل مقداد، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۷۶۲) و در ثبوت این حکم فرقی ندارد که این زن مدخول بها باشد یا مدخول بها نباشد، چراکه آیه شریفه ۲۷ از سوره قصص و ۴ از سوره طلاق در اینجا قابل استدلال است.

در صورت بارداری زن با تلقیح مصنوعی و فوت شوهر، عدّه وی بر اساس آیه شریفه «وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجْلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ» ابعاد دو زمان از عدّه وفات و وضع حمل می‌باشد؛ زیرا زوجیت تحقق دارد و باروری با اسپرم شوهر ایجاد شده و حاملگی نیز رخ داده است.

### ۳-۱. عده زن باردار از اسپرم شوهر موقت خود

در این فرض، زنی به دلیل مشکلات همسرش، نمی‌تواند از سوی وی باردار شود، از سوی دیگر به دلیل حرمت انتقال اسپرم مرد اجنبی در رحم زن اجنبیه (قاسمی، ۱۳۹۸ش، ج ۱، ص ۱۳۸)، نمی‌تواند به روش باروری از اسپرم مرد دیگری به شیوه عقد موقت، باردار شود، از این رو، نخست از شوهر خویش طلاق گرفته عده نگه می‌دارد و بعد از عده با مردی به صورت موقت ازدواج می‌کند و به روش تلقیح مصنوعی، با اسپرم همسر موقت خویش باردار می‌شود. مورد دیگر و مشابه فرض اول آنجایی است که زن مجردی (باکره یا غیرباکره) برای فرزندآوری به صورت موقت به عقد مردی درآمده، به روش تلقیح مصنوعی و با اسپرم وی باردار می‌شود؛ مسئله این است که عده این‌گونه فرض‌ها چگونه است؟

### ۳-۲. عده پایان زمان عقد موقت یا بخشیدن زمان

اگر لقاح با اسپرم شوهر و در فرض عقد موقت صورت گرفته باشد و چنانچه مصداق «مدخول بها» و «ذات حمل» نباشد همچنان زمان عقد پایان پذیرفته باشد؛ از آنجایی که اتمام زمان عقد یا بخشیدن زمان در عقد موقت همچون طلاق دادن همسر است؛ پس فرض اتمام زمان عقد یا بخشیدن زمان عقد مصداقی است برای آیه شریفه «ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ» (بقره، ۲۳۷) و عده نخواهد داشت.

در برابر سخن فوق ممکن است، گفته شود که این زن مصداق «العده من الماء» است و با اینکه در عناوین یاد شده نمی‌گنجد؛ از آنجا که اسپرم و مایع منی مردی به رحم این زن وارد شده است، پس باید عده نگه دارد.

چنانچه در همین فرض، زن مصداق مدخول بها باشد و حاملگی از طریق روش تلقیح مصنوعی رخ دهد، با توجه به وجود زوجیت و تحقق ذات حمل باید عده نگه دارد. البته با دقت به این نکته که حاملگی در این فرض از طریق مباشرت زناشویی رخ نداده است، آیا لقاح مصنوعی و بارداری حاصل از آن مانعی بر تحقق عده است؟ و یا این مورد، مصداقی از «أولات الأحمال» اطلاق «العده من الماء» شمرده می‌شود و باید بر اساس این عناوین زمان عده را مراعات نمود.

در همین فرض اگر عنوان و موضوع «مدخول بها» بر زن صدق نکند؛ ولی با تلقیح مصنوعی با اسپرم شوهر موقت باردار شده باشد؛ از طرفی به دلیل شرط عدم دخول، فرض عدم تحقق عده، وجود دارد و از طرف دیگر به دلیل شرط زوجیت و حاملگی فرض تحقق عده نیز وجود

دارد؛ یعنی چون حاملگی از راه دخول نیست و با باروری پزشکی تحقق یافته است؛ باید بررسی شود که مصداق کدامین عنوان است، آیا صرف حاملگی مصنوعی با وجود زوجیت موقت، عده وضع حمل محقق می‌شود یا فقط عده ازدواج موقت، یعنی دو حیض ثابت است و یا اصلاً هیچ عده‌ای تحقق نمی‌پذیرد؟

البته این نکته شایان توجه است که در ازدواج موقت با پایان یافتن زمان عقد و یا بخشیده شدن باقی زمان توسط شوهر، در صورتی که زن مدخول بها باشد، بایست عده دو حیض را نگه دارد؛ چرا که امام صادق علیه السلام فرمودند: «إذا انقضی الأجل بانت منه بغیر طلاق، و يعطيهما الشیء الیسیر، و عدتها حیضتان» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۲۰) از این رو مشهور فقیهان نیز عده زن را پس از پایان یافتن زمان دو حیض می‌دانند و اگر در سن «من حیض» باشد؛ ولی حیض نشود، به دلیل روایتی از امام رضا علیه السلام صاحب جواهر می‌فرماید «اجماعاً و خصوصاً»، یعنی عده‌اش ۴۵ روز است و اگر این زن حیض نشود و یائسه باشد، عده‌ای بر عهده او نیست (روحانی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۳۴؛ خمینی، ۱۳۹۹ش، ج ۲، ص ۳۱۳).

### ۳-۳. صدق عده وفات در ازدواج موقت

در ازدواج موقت به حکم آیه شریفه «وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا» در صورت فوت شوهر، عده زن (چه مدخول بها باشد و چه نباشد) همان عده وفات یعنی چهار ماه و ده روز است؛ دلیل آن روایتی از امام باقر علیه السلام است: «کل النکاح إذا مات الزوج فعلى المرأة حرة كانت أو أمة، و على أي وجه كان النکاح متعة، أو تزوجها، أو ملك یمین فالعدة أربعة أشهر و عشراً» حال اگر همین زن در دوران ازدواج موقت و به صورت طبیعی باردار شده باشد، عده‌اش «ابعد أجلین» از وضع حمل و چهارماه و ده روز می‌باشد؛ دلیل آن، این آیه شریفه است: «واولات الاحمال...» (روحانی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۳۴؛ مغنیه، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۳۶۲).

حال اگر این زن، در زمان ازدواج موقت و با روش تلقیح مصنوعی باردار شود، در صورت فوت شوهرش آیا عده‌اش همان عده وفات است یا باز هم «ابعد أجلین» از عده وفات و وضع حمل است؟ پاسخ آنکه آیه شریفه «اولات الاحمال...» مطلق است و شامل این نوع از بارداری، یعنی با روش تلقیح نیز می‌شود؛ بنابراین مصداق زن «ذات حمل» است و باید «ابعد أجلین» را رعایت نماید.

### ۳-۳-۱. عده زن باردار از اسپرم یا جنین مرد اجنبی

گاهی زن مجردی می‌خواهد بدون ازدواج، فرزنددار شود یا زن متأهلی به دلیل مشکلات جنسی و اسپرمی شوهر نمی‌تواند به صورت طبیعی با باروری پزشکی از شوهر خویش باردار

شود؛ در این فرض معمولاً از اسپرم مرد اجنبی برای بارداری این گونه زنان استفاده می‌شود که با توجه به بهره‌مندی از این روش، مسئلهٔ عدّه، نیازمند دقت و تأمل بیشتری خواهد بود.

### ۳-۳-۲. صدق عناوین عدّه، در زن مجرد گیرندهٔ اسپرم از مرد اجنبی

بی‌تردید در این صورت عنوان «عدّه طلاق» و عدّه «پایان مدت؛ یا بخشش مدت» صدق نمی‌کند، ولی اگر با اسپرم اجنبی باردار شود، آیا عنوان «ذات حمل» بر وی منطبق می‌شود که در نتیجهٔ چنین حالتی، زن تا زمان وضع حمل حق ازدواج نداشته باشد؟

افزون بر اینکه ممکن است حکم تکلیفی مسئله در عدّه نیز تأثیرگذار باشد، بدین معنا که جواز و عدم جواز تلقیح با اسپرم اجنبی و انتقال اسپرم اجنبی، حکم عدّه را متفاوت سازد و بر مبنای حرمت تلقیح این زن، ملحق به زن زانیه باشد که عدّه ندارد و در صورت حکم به جواز تکلیفی این عمل، ممکن است مصداق «العدّة من الماء» باشد (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۸۵)، چرا که به شهادت روایت «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلَهُ أَبِي وَأَنَا حَاضِرٌ عَنْ رَجُلٍ تَزَوَّجَ امْرَأَةً فَأَدْخَلَتْ عَلَيْهِ فَلَمْ يَمَسَّهَا وَ لَمْ يَصِلْ إِلَيْهَا حَتَّى طَلَّقَهَا هَلْ عَلَيْهَا عِدَّةٌ مِنْهُ فَقَالَ إِنَّمَا الْعِدَّةُ مِنَ الْمَاءِ قِيلَ لَهُ فَإِنْ كَانَ وَقَعَهَا فِي الْفَرْجِ وَ لَمْ يُنْزَلْ فَقَالَ إِذَا أَدْخَلَهُ وَجَبَ الْغُسْلُ وَ الْمَهْرُ وَ الْعِدَّةُ» (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۱۱۰) ادخال ماء حلال در رحم، خود سبب مستقلاً برای عدّه به شمار می‌آید و مشمول عنوان حاملگی «أُولَاتُ الْأَحْمَالِ» می‌باشد، چرا که با حکم به جواز تکلیفی این عمل، چنین زنی مصداق عنوان «الاحرمة لماء الزانی» نخواهد بود.

از سوی دیگر ممکن است گفته شود، عناوین یاد شده برای عدّه، کفایت نمی‌کند؛ چرا که شرط زوجیت (دائم یا موقت) عمل زناشویی مبتنی بر ازدواج، یعنی شرط «مدخول بها» وجود ندارد و چنین زنی عدّه ندارد و دلیل «الاحرمة لماء الزانی» در مقام بیان حصر نیست؛ بنابراین لقاح صورت گرفته از طریق باروی پزشکی (حتی بنا بر دیدگاه جواز) نیز ممکن است حرمت نداشته و موجب ثبوت عدّه نشود. همچنین صدق عنوان «اولات الاحمال» مبتنی بر قرینه آیه ۶ سوره طلاق: «إِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمَلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ - فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَاتَوْهَنَّ أَجُورَهُنَّ» متفرع بر زوجیت صحیح است؛ زیرا در آیه شریفه وجوب نفقه دادن شوهر به زوجه فرض شده است و این مسئله در زوجیت صحیح فرض دارد، بنابراین عدّه برای چنین زنی ثابت نمی‌شود.

از سوی دیگر ممکن است، گفته شود این مورد مصداق ادلّه «الاحرمة لماء الزانی» نیست، چرا که عمل زناشویی در آن رخ نداده است و افزون بر این در جواز و عدم جواز آن اختلاف نظر وجود دارد؛ بنابراین از جهت موضوع‌شناسی مصداق زنا نخواهد بود؛ و در صورت قول به عدم جواز تکلیفی نیز همانند صورت جواز است و از لحاظ موضوع و حکم به زانیه ملحق نمی‌شود.

افزون بر نکات فوق ممکن است این زن را مصداق عنوان زن «مطوئه به شبهه» بدانیم که دارای عده است؛ چه اینکه حتی اگر تنها اشتباه از سوی زن بوده باشد، بنابر احتیاط واجب باید عده نگه‌دارد (خمینی، ۱۳۹۹ش، ج ۲، ص ۳۷۰)؛ به عبارتی مدت عده آمیزش اشتباهی مانند عده طلاق است (خمینی، ۱۳۹۹ش، ج ۲، ص ۳۴۴).

### ۳-۴. صدق عنوان عده وفات در مورد فوت صاحب اسپرم

در فرض یاد شده اگر زن مجرد باشد و صاحب اسپرم فوت نماید، باید بررسی شود که کدام عنوان عده بر این زن منطبق می‌شود؟ عده «وفات اصطلاحی» و بر چنین زنی منطبق نمی‌شود، زیرا چنین عده‌ای فرع بر رابطه زوجیت شرعی است که در این فرض وجود ندارد. اینکه عنوان «اولات الاحمال» بر وی صدق می‌کند یا خیر؟ بنابراین گفته که عده وضع حمل بعد از وفات نیز فرع بر حاملگی صرف نیست؛ بلکه فرع بر فوت شوهر و حاملگی است. به همین خاطر نیز در مورد وطی به شبهه گفته شد، اگر واطی به شبهه بمیرد، نیازی نیست زن عده وفات را نگه‌دارد؛ به این دلیل که این زن زوجه نیست و از مصادیق منطبق بر فحواي این آیه «وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذُرُونَ أَزْوَاجًا» (بقره، ۲۳۴) شمرده نمی‌شود (روحانی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۳۷)؛ بنابراین چنین زن مجرد و باردار از اسپرم اجنبی، عده وفات ندارد. این مسئله بنا بر نظر فقهای موافق و مخالف با تلقیح مصنوعی (با اسپرم یا جنین اجنبی) تفاوتی ندارد، زیرا حلیت یا حرمت لقاح و انتقال جنین یا اسپرم، دخلی در تحقق یا عدم تحقق «سبب عده وفات» نخواهد داشت.

### ۳-۴-۱. عده زن شوهردار گیرنده اسپرم یا جنین اهدایی

اگر زنی به جهت مشکلات اسپرم همسرش، از اسپرم مرد اجنبی برای بارداری استفاده کند، دو فرض محتمل است؛ اول اینکه زن به این اسپرم اجنبی، باردار شود، دوم اینکه به رغم استفاده از باروری پزشکی باردار نشود. حالا باید دید که در زمینه عده، وظیفه این زن چیست و کدام عناوین عده بر وی منطبق می‌شود؟

### ۳-۴-۲. عده زن شوهردار بدون صدق عنوان عده طلاق و وفات

فرض موضوع این است که زن شوهردار از اسپرم مرد اجنبی جهت بارداری استفاده کرده و به دلیل عدم طلاق و عدم فوت شوهر، مصداق عده طلاق و فوت نیست و عدم جواز ازدواج وی با دیگران نه به جهت عده، بلکه بدین جهت است که وی دارای شوهر است، ولی ممکن است عده وی نسبت به همسر خودش مطرح شود؛ بدین معنا که شوهرش حق وطی یا حق وطی دیگر استماتات را نیز ندارد.

بی تردید چنین زنی که نه مصداق «مدخول بها» توسط فرد اجنبی است و نه عنوان و شرط زوجیت میان‌شان مطرح شده است، نسبت به انتقال اسپرم اجنبی به رحم خود، عده ندارد؛ اما نسبت به شوهر خودش اگرچه در نگاه اولیه و در صورت حاملگی با اسپرم اجنبی، عنوان «اولات الاحمال» بر این زن منطبق می‌شود؛ اما تأمل و دقت عموم «أُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجْلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ» شامل وی نمی‌شود، زیرا در آیه شریفه، حمل حاصل از زوجیت، موضوع است، زیرا آیات بعدی در سیاق این آیه، فرض را در زوجیت و برقراری همسری معرفی می‌نماید و در صورتی که زن با اسپرم مرد اجنبی باردار نشود، دلیلی وجود ندارد که زن را ملزم نماید تا نسبت به همسر خودش عده نگه‌دارد؛ چراکه عناوین عده ساز بر وی منطبق نمی‌شود؛ بلکه نسبت به همسر خویش مصداق آیه شریفه «نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنْي شِئْتُمْ» (بقره، ۲۲۳) خواهد بود.

در برابر ممکن است که این زن مصداق «العده من الماء» باشد، خواه با حاملگی و خواه بدون حاملگی باشد، بدین معنا که اگر قائل به اطلاق این عنوان باشیم، فرقی میان این ماء حاصل از مرد اجنبی و یا شوهرش نخواهد بود؛ در نتیجه لازم است زن از شوهر خویش عده نگه‌دارد و این دیدگاه به واسطه روایات مانع از وطی کنیز حامله خریداری شده از غیر، قبل از «وضع حمل» مورد تأیید و تأکید قرار می‌گیرد (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۵۵، ح ۱؛ ج ۱۴، ص ۵۰۷، ح ۱؛ ج ۱۴، ص ۵۰۶، ح ۴؛ کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۴۷۵، ح ۲؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۴۶۸).

اشکال استدلال یاد شده این است که روایت «العده من الماء» ثبوت عده را به نحو موجب جزئیة ثابت می‌کند، بنابراین به صورت مطلق «ماء» را در برنمی‌گیرد، در نتیجه معلوم نیست که اسپرم انتقالی به روش مصنوعی ذیل این حدیث قرار بگیرد، افزون بر اینکه ممکن است ادعا شود «الماء» در روایت یاد شده، از این اسپرم با تلقیح مصنوعی انصراف دارد و در نتیجه اطلاقی وجود ندارد تا شامل این مورد شود، بنابراین عده در این فرع ثابت نمی‌شود.

به این اشکال چنین پاسخ داده می‌شود که متفاهم عرفی تناسب حکم و موضوع، چنین اقتضایی را ندارد، بلکه عده برای اعم از آب و اسپرم مرد اجنبی وارد شده در رحم ثابت است؛ به عبارت دیگر عده دو سبب مجزا دارد یکی دخول آلت تناسلی و دیگری ورود آب به رحم به هر طریقی و به هر مقداری که محقق شود؛ پس هرکدام از این دو علت محقق شد، لزوم رعایت عده را به دنبال خواهد داشت. در این فرض سبب ورود آب وجود دارد، پس مسبب یعنی عده هم ثابت می‌شود و بنابراین شوهر این زن حق وطی و دیگر استماتات را ندارد، چه اینکه حکمت‌های جعل حکم مانند جلوگیری از اختلاط میاه نیز در این فرع مطرح است.

#### ۴. صدق عده طلاق

در همین فرض (زن باردار از روش باروری پزشکی به وسیله اسپرم مرد اجنبی) اگر توسط شوهرش طلاق داده شود، چنانچه عمل زناشویی صورت گرفته باشد، عنوان «مدخول بها» و نیز به دلیل حامله شدن در نگاه اولی عنوان «ذات حمل» هر دو بر وی منطبق اند؛ آیا می توان گفت، به دلیل اینکه عنوان و سبب عده، حامله بودن زن است و صاحب اسپرم یا جنین در این زمینه اهمیت و موضوعیت ندارد، پس عده وی تا زمان وضع حمل خواهد بود؟ و یا عده این زن باردار مطلقه، همان سه طهر (پاکی) است؟ چراکه نسبت به صاحب اسپرم که سبب حمل است، رابطه زوجیت وجود ندارد و دخولی از سوی وی صورت نگرفته است.

مرحوم محقق خوبی رحمته الله علیه معتقدند:

«در فرض یاد شده (فرض بارداری زن شوهردار با اسپرم اجنبی) زمانی که بعد از تلقیح یاد شده این زن طلاق داده شود؛ عنوان عده طلاق بر وی منطبق می شود. بنابراین واجب است [که] عده طلاق نگهدارد؛ اما اگر عده طلاق بر او نباشد، در این صورت از ناحیه تلقیح صناعی باید عده نگه دارد» (ر.ک: خوبی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۳۹۷).

ممکن است گفته شود میان دیدگاه جواز و عدم جواز تلقیح صناعی با اسپرم مرد اجنبی، تفاوت صدق عنوان وجود داشته باشد، به این معنا یکی از ادله عدم جواز تلقیح مصنوعی با آب اجنبی، ادله حرمت زناست، اگرچه شرط رابطه زناشویی محقق نشده باشد؛ ولی به دلیل تمسک به ادله حرمت زنا که همان اختلاط نطفه هاست، در این فرض نیز مطرح می شود که در چنین تلقیح صناعی نیز همین حکمت جاری شود و به خاطر عدم اختلاط نطفه ها نگه داشتن عده لازم گردد.

اگر گفته شود عنوان «لاحرمة لماء الزانی» شامل لقاح به روش باروری پزشکی نمی باشد، به همین دلیل در صورت شک بر اساس قاعده فراش، فرزند به صاحب اسپرم ملحق می شود؛ در پاسخ می گوئیم، با توجه به اشکال یاد شده این نکته پذیرفته شده است که هر آب با فعل حرامی حرمت ندارد و لازمه آن نگه داشتن عده نیست؛ بنابراین از این نکته معلوم می شود که تلقیح های مصنوعی حلال و یا بنابر قول مجوزین، آبهای حاصل از این عمل حلال، دارای حرمتند و زن باید نسبت به آن عده نگه دارد، ولی در هر جا که به اتفاق فقها تلقیح حرام شمرده شود، در صورت اختلاف بنا بر نظر مانعین، عده لازم نیست (ر.ک: بحرانی، ۱۴۲۳ق، ص ۷۶).

در مقابل دو دیدگاه یاد شده، برخی بر این نظرند اگر چه قائل به حرمت این عمل باشیم، ولی این فرض قائل به عدم ثبوت عده حاصل از حمل می باشد که در صورت طلاق همان عده حاصل از طلاق شوهرش را نگه دارد، لذا بعد از پایان عده طلاق در صورتی که زن هنوز حامله

است با شوهر قبلی اش می تواند دوباره ازدواج کند؛ البته احتیاط در عدم وطی و استمتاع می باشد (ناظم زاده، ۱۴۰۱ق، ص ۸۹).

گویا دلیل قائلین به عدّه، صدق عنوان «العدّة من الماء» و عنوان «اولات الاحمال» است و منکران عدّه بر این نظرند که عناوین یاد شده، شامل تلقیح صناعی با استفاده از اسپرم اجنبی در رحم اجنبیه نمی شود، بلکه بر اساس دیدگاه حرمت تکلیفی چنین عملی، ادله عدم حرمت و ارزش چنین آبی، دلالت دارد که چنین زنی عدّه ندارد.

در پاسخ گفته می شود که عنوان «ماء الزانی» مربوط به عمل شنیع زناست و شامل تلقیح مصنوعی نمی شود که زنايي در آن رخ نداده است. از سوی دیگر تمسک به «العدّة من الماء» تمسک به عام در شبهه مصداقیه دلیل است که چنین کاری درست نخواهد بود. حاصل آنکه ادله یاد شده از اثبات یا عدم اثبات عدّه قاصرند، بنابراین اصل عملی «برائت» جاری خواهد شد و زن مطلقه بیشتر از عدّه طلاق از شوهر خودش، عدّه ای ندارد و نیاز نیست برای ازدواج جدید تا وضع حمل صبر نماید.

#### ۵. صدق عنوان عدّه وفات شوهر

اگر همسر زنی که به وسیله اسپرم مرد اجنبی باردار شده، بمیرد، در این صورت زن چه مدت باید عدّه نگه دارد، در حقیقت، پرسش این است که کدام عنوان عدّه ساز بر وی منطبق می شود؟ ممکن است گفته شود عنوان «اولات احمال» بیان شده در آیه شریفه «أُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ» (طلاق، ۴) شامل وی می شود، بنابراین تا زمان وضع حمل باید عدّه نگه دارد، این تطبیق اشکال دارد، چراکه این عنوان زمانی منطبق می شود که زوجیت و حاملگی با اسپرم شوهر رخ داده باشد؛ بدین معنا عدّه وضع حمل، فرع بر تحقق عقد نکاح است، چنانچه در دو آیه بعد می فرماید: «إِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمَلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ - فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ» (طلاق، ۶) یعنی لزوم پرداخت نفقه، فرع بر علقه زوجیت است؛ بنابراین فرض مورد بحث که بارداری از سوی شوهر نیست و نسبت به صاحب اسپرم البته دخول و عمل زناشویی نیز وجود ندارد، عدّه حمل نیز معنایی نخواهد داشت. در این صورت، تنها عدّه وی با صدق عنوان عدّه وفات شوهر، یعنی چهار ماه و ده روز (بقره، ۲۳۴) خواهد بود.

#### ۵-۱. صدق عناوین عدّه بر زن باردار با رحم اجاره ای

از دیگر اقسام روش های باروری پزشکی این است که جنین تشکیل شده از اسپرم شوهر با تخمک همسرش در محیط آزمایشگاهی لقاح یافته و به رحم اجاره ای منتقل می شود، در این صورت عدّه زن صاحب رحم با چه عناوینی منطبق می شود؟

در این صورت زن صاحب رحم مصداق هیچ یک از عناوین عدّه ساز نیست، چراکه نه تخمک از آن اوست و فرزند در داخل رحمش عاریه‌ای است؛ بنابراین اگر شوهر ندارد، می‌تواند با هر مردی که بخواهد ازدواج کند و حتی اگر شوهر دارد؛ ولی عنوان «مدخول‌بها» بر وی صدق نمی‌کند، در صورت طلاق از همسر خویش می‌تواند بدون عدّه و بلافاصله با هر کسی که بخواهد ازدواج نماید، چراکه این زن تنها رشد دهنده جنین است و هیچ ارتباطی جز ظرف بودن او برای رشد و نمو جنین وجود ندارد.

### ۵-۲. عدّه زن باردار با تخمک اهدایی

در صورتی که اسپرم شوهر مشکلی در بارورسازی ندارد و رحم خانم نیز برای نگه‌داری و پرورش جنین مشکلی نداشته باشند، ولی تخمک زن معیوب باشد، از تخمک اهدایی استفاده می‌شود و اسپرم شوهر با تخمک اهدایی در محیط آزمایشگاهی لقاح یافته و به رحم همسر منتقل می‌گردد؛ در این صورت تحقق همه عناوین همچون، «مدخول‌بها»، «زوجیت موقت»، «زوجیت دائم» و دیگر عناوین، همانند فروض عادی در تلقیح صناعی خواهد بود و گرفتن تخمک زن دیگری و انتقال آن به رحم این زن در مسئله عدّه هیچ دخلی نخواهد داشت؛ زیرا اهدای تخمک و ایجاد حمل با تخمک اهدایی عنوانی برای عدّه ایجاد نمی‌کند و در ادله مسئله عدّه، قید عدّه سازی وجود ندارد. بنابراین اگر با تلقیح یاد شده حمل رخ دهد و زن از همسر خویش طلاق بگیرد، تنها عنوان عدّه طلاق، مثبت عدّه طلاق خواهد بود و به دلیل عدّه حمل نیز عنوان «اولات احمال» بر وی منطبق می‌شود، ولی اگر عنوان «غیر مدخول‌بها» بر وی صدق نماید، عدّه اش سه طهر (پاکی) می‌باشد.

در همین عنوان، فرض دیگر مشابهی نیز طرح می‌شود، بدین‌گونه که خانم مجردی با استفاده از اسپرم مرد اجنبی و تخمک اهدایی زن دیگری (با استفاده از روش‌های نوین بارداری) اقدام به بارداری می‌کند؛ در این حالت (زن مجرد باردار شده با اسپرم مرد اجنبی) همه فروض قابل طرح است و اهدای تخمک عنوان و مسئله جدیدی را در مبحث عدّه ایجاد نمی‌کند.

## نتیجه‌گیری

با توجه به پیشرفت دانش پزشکی و از یک سو تنوع راه‌های درمان ناباروری و دیگر سواهمیت مسئله عده و حکمت‌های شرعی و دینی آن (مانند جلوگیری از اختلاط میاه) موضوع‌شناسی عده زنان استفاده‌کننده از روش تلقیح مصنوعی، در عصر کنونی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

بر اساس این پژوهش روشن شد در تمام مواردی که زن با اسپرم همسر خویش (خواه ازدواج دائم و خواه موقت) باردار می‌شود، به دلیل رابطه زوجیت بین مرد و زن، اگر زن باردار نشود و شوهرش از دنیا برود، باید عده وفات را نگه‌دارد؛ زیرا عنوان «مدخول بها» بر وی منطبق می‌شود و چنانچه طلاق صورت بگیرید، مصداق عده طلاق خواهد بود. در صورتی که زن باردار باشد و شوهرش از دنیا برود، «ابعد اجلین» باید رعایت شود، زیرا مصداقی از «اولات الاحمال» است. بیشترین بحث و گفت‌وگو در صورتی است که لقاح به واسطه اسپرم مردی اجنبی صورت بگیرد که در این صورت چون میان زن و صاحب اسپرم، علقه زوجیت محقق نیست و دخولی از سوی مرد اجنبی صورت نگرفته است، بی‌تردید چنین زنی با زن باردار شده به روش معمولی و مرسوم متفاوت خواهد بود، از این رو ممکن است حکم عده آن نیز متفاوت باشد.

در فرض تحقق زوجیت و دخول، اصل عده ثابت است و مقدار آن به ازدواج دائم و یا موقت بستگی دارد؛ اما در مواردی که زوجیت وجود دارد، ولی دخول صورت نگرفته و از موارد تلقیح صناعی است، ولی بارداری تحقق نیافته، باید دید مصداق «العده من الما» قرار می‌گیرد یا خیر؟

در صورتی که زن مجردی با اسپرم مرد اجنبی لقاح یافته، ولی بارداری انجام نشده است، عناوین مثبت عده بر وی منطبق نمی‌شود؛ حتی اگر با این روش بارداری هم محقق شود، عناوین عده نیازمند شرط زوجیت و دخول است که در اینجا هر دو منتفی است.

اگر تلقیح مصنوعی با اسپرم مرد اجنبی درباره زن شوهرداری محقق شود، چنانچه زن باردار نشود، پس عناوین عده ساز منطبق نمی‌شود و در صورت تحقق بارداری، عده نسبت به صاحب اسپرم که معنایی ندارد؛ آیا ممکن است این زن نسبت به شوهرش ضرورتاً، عده نگه‌دارد؟ مطابق با مؤلفه‌های «عدم صدق عناوین عده» در این مورد نیز عدم عده اثبات شود، چراکه نگه‌داشتن عده نسبت به شوهر، در صورت طلاق و یا وفات وی دارای معناست و در این فرض که شوهر وجود دارد و هیچ‌یک از علل (عده طلاق و وفات) رخ نداده است، سالبه به انتفاع موضوع است. همچنین روشن شد که اهدای تخمک، تأثیری در مبحث عده ندارد، زیرا هیچ‌یک از عناوین عده بر آن منطبق نمی‌شود.

## فهرست منابع

قرآن کریم .

۱. ابن منظور، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، دار صادر.
۲. تبریزی، جواد بن علی، (۱۳۸۲ش)، منهاج الصالحین، المعاملات، قم، دارالصدیقه الشهیده.
۳. تبریزی، جواد، (۱۴۲۷ق)، صراط النجاة في اجوبة الاستفتائات، قم، دارالصدیقه الشهیده.
۴. حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسایل الشیعة، قم، مؤسسه آل البيت ع.
۵. حلی، مقداد بن عبد الله، (۱۴۲۵ق)، کنز العرفان فی فقه القرآن، چاپ اول، قم، مرتضوی.
۶. خزائلی، محمد، (۱۳۶۱ش)، احکام قرآن، چاپ پنجم، سازمان انتشارات جاویدان.
۷. خمینی، سیدروح الله، (۱۳۹۹ش)، تحریر الوسیله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ع.
۸. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۱ش)، موسوعة الامام الخميني، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ع.
۹. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۰ق) منهاج الصالحین، چاپ ۲۸، قم، مدینه العلم.
۱۰. \_\_\_\_\_، (۱۴۲۷ق)، فقه الاعذار الشرعية والمسائل الطبية، چاپ اول، قم، دارالصدیقه الشهیده.
۱۱. \_\_\_\_\_، (۱۴۲۷ق)، صراط النجاة في اجوبة الاستفتائات، مع تعليقات ميرزا جواد تبریزی، قم، دارالصدیقه الشهیده.
۱۲. \_\_\_\_\_، (۱۴۱۳ق)، صراط النجاة (المحشى) فقه فتاوى، مصحح: موسى مفيد الدين عاصی عاملی، چاپ اول، قم، مکتب نشر المنتخب.
۱۳. راغب اصفهانی، ابی القاسم، (۱۴۰۴ق)، المفردات فی غریب القرآن، چاپ دوم، تهران، دفتر نشر کتاب.
۱۴. روحانی، سید محمدصادق، (۱۴۰۳ق)، فقه الإمام الصادق ع (فقه استدلالی)، چاپ دوم، قم، مؤسسه انصاریان.
۱۵. سبزواری، سید عبدالاعلی، (۱۴۱۳ق)، مهذب الاحکام، چاپ چهارم، قم، المنار.
۱۶. السنند البحرانی، محمد، (۱۴۲۳ق)، فقه الطب، بیروت، مؤسسه ام القرى.
۱۷. سیستانی، سید محمدرضا، (۲۰۰۴م)، وسایل الانجاب الصناعية، چاپ اول، بیروت، دار المؤرخ العربی.
۱۸. شرتونی، سعید الخوری، (بی تا)، اقرب الموارد، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۱۹. شهید ثانی، زین الدین عاملی، (۱۴۱۳ق)، مسالك الافهام فی تنقیح شرائع الاسلام، چاپ اول، قم، موسسه المعارف الاسلامیه.
۲۰. \_\_\_\_\_، (۱۴۱۰ق)، الروضة البهية فی شرح اللمعة، چاپ اول، قم، داوری.
۲۱. شیخ صدوق، محمد بن علی (ابن بابویه)، (۱۳۸۵ق)، علل الشرايع، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی.

فقهنا قلوبنا

۲۲. طباطبایی، سید محمد حسین، (بی تا)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دارالکتب الاسلامیه، موسسه النشر الاسلامی.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ ق)، تهذیب الأحکام، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۲۴. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۷ ق)، المبسوط فی فقه الامامیه، چاپ سوم، تهران، المكتبة المرتضویة.
۲۵. فاضل مقداد، مقداد بن عبد الله، (۱۳۸۵ ش)، كنز العرفان فی فقه القرآن، ترجمه: عبد الرحیم عقیق بخشایشی، قم، دفتر نشر نوید اسلام.
۲۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹)، کتاب العین، قم، دارالهجره.
۲۷. فیومی، احمد بن محمد بن علی (۱۴۰۵ ق)، المصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر الرافضی، چاپ اول، قم، موسسه دارالبهره.
۲۸. قاسمی، محمد علی، (۱۳۹۸ ش)، بانک استفتائات فقه پزشکی، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
۲۹. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، (۱۴۱۳ ق)، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۰. لویس معلوف، (۱۳۸۷ ش)، المنجد فی اللغة و الاعلام، چاپ چهارم، قم، بلاغت.
۳۱. محقق حلی، جعفر بن حسن، (۱۳۹۴ ش)، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، مرکز احیای آثار اسلامی.
۳۲. مغنیه، محمد جواد، (۱۴۲۴ ق)، التفسیر الکاشف، قم، دارالکتب الإسلامیه.
۳۳. ناظم زاده، سید اصغر، (۱۴۰۱ ق)، تلقیح مصنوعی، چاپ اول، قم، بوستان کتاب.
۳۴. نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴ ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۵. نوری، یحیی، (۱۳۶۰ ق)، اسلام و عقائد بشری یا جاهلیت و اسلام، تهران، بنیاد علمی و اسلامی مدرسه الشهدا.
۳۶. یزدی، سید محمد کاظم، (۱۴۱۹ ق)، العروة الوثقی (المحشی)، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی.



## التشخيص الفقهي لموضوع عدّة المرأة عند استخدام أساليب التلقيح الجديدة

محمد علي قاسمي

### ملخص البحث

العدّة في الشريعة الإسلامية هي عبارة عن «المدة الزمنية التي يجب أن تصبر فيها المرأة بعد انتهاء حالة الزواج بسبب وفاة الزوج، أو لغرض التأكد من خلوّ رحمها من الحمل، أو بدافع التعبّد الشرعي على فرض خلوّ رحمها من الحمل، وتمتنع عن زواج آخر». ممّا يُقال هنا هو أن تطوّر علم الطبّ وتنوّع طرائق التخصيب الحديثة، أدّى إلى إثارة تساؤلات عديدة حول معرفة موضوع عدّة المرأة. وإذا أخذنا بنظر الاعتبار الحكمة من تشريع العدّة، فإنّ أهمّ سؤال يُثار هنا هو: إنّ طرق التلقيح الصناعي المختلفة، أو النساء اللاتي يستخدمنّ التلقيح الصناعي تصلح أن تكون مصداقاً لأيّ عنوان من عناوين العدّة؟ والهدف من وراء ذلك هو أن تتضح عدّة النساء في أنواع التلقيح، والعناوين المنطبقة عليها. وأظهرت النتائج أنّ العدّة تتعيّن بناءً على خمسة عناوين، وهي: «المدخول بها»، «عدّة الوفاة»، «عدّة الطلاق»، «عدّة إتمام العقد المؤقت»، «عدّة هبة زمان العقد المؤقت» أو «العدّة من الماء»، وأما انتفاء العدّة فلها حالتان: «لا حرمة لماء الزاني» و«غير المدخول بها» و لكلّ واحدة من هذه العناوين فروع مختلفة. من جهة أخرى، يتمّ التلقيح الصناعي بطريقة داخل الرحم أو خارجه، سواء عن طريق التخصيب بالحيامن والبويضة، أو نقل الجنين. ففي الحالة التي لا يصدق عليها «ذات الحمل» و«المدخول بها» و يحصل الطلاق، لا بدّ من الالتزام بعدّة الطلاق. وأمّا في حالة التلقيح بدون حمل وغير المدخول بها، فتبتني على انطباق «العدّة من الماء» عليها؛ فلو كان التلقيح مصداقاً للمدخول بها دون ذات الحمل، فهناك عدّة طلاق فقط، وفي حالة حصول حمل للمرأة من التلقيح ووفاة الزوج، يُحتسب أبعده الزمانين للحمل وعدّة الوفاة.

الألفاظ المفتاحية: معرفة الموضوع، التلقيح الصناعي، التخصيب الطبّي، عدّة المرأة.

١. مدير قسم فقه الطبّ في مركز الأئمة الأطهار (عليه السلام) الفقهي ghasemimohammad110@gmail.com



## Jurisprudential Subject Study of Women's Waiting Period ('Idda) in Modern Fertility Methods

Mohammad Ali Qasemi<sup>1</sup>

### Abstract

In the sacred Islamic law, *'idda* (waiting period) is defined as "the duration in which a woman, after the dissolution of her marriage due to the death of her husband or to ensure the absence of pregnancy, must wait and refrain from remarriage." The expansion of medical knowledge and the diversity of modern fertility methods have raised various questions regarding the jurisprudential identification of *'idda*. Given the wisdom behind its legislation, the key question is: under which categories of *'idda* do the different artificial insemination methods used by women fall? This inquiry aims to determine the waiting period required for women undergoing various types of insemination and the applicable jurisprudential rulings. The findings of this study indicate that *'idda* applies under five classifications of *madkhūl bihā* (a woman who has had conjugal relations), waiting period due to the husband's death, waiting period due to divorce, *'idda* of the expiration of a temporary marriage contract, and *'idda* due to the revocation of a temporary marriage, or based on the category of "*al-'idda min al-mā*" (waiting period due to seminal fluid), each having distinct subcategories. Furthermore, artificial insemination can occur through intrauterine or extrauterine methods. In cases where neither pregnancy nor conjugal relations have occurred and a divorce takes place, the waiting period follows *'idda* due to divorce. If insemination occurs without pregnancy and without conjugal relations, the ruling is based on the category of "*al-'idda min al-mā*". However, if insemination is accompanied by conjugal relations but without pregnancy, only *'idda* of divorce applies. If the woman conceives through artificial insemination and her husband passes away, the longer of the two waiting periods—the duration of pregnancy or *'idda* due to the husband's death—must be observed.

**Keywords:** Jurisprudential Subject Study, Artificial Insemination, Medical Fertility, Women's Waiting Period, *Madkhūl Bihā*.

1. Head of the Medical Jurisprudence Department at the Jurisprudence Center of A'imma Athār (a). ghasemimohammad110@gmail.com